



امَلَكَةُ اِسْلَامِيْ اَفْغَانِسْتَانِ



وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد

موضوع خطابت روز جمعه و تقریر و بیان

تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۱۹/ رجب المرجب/ ۱۴۴۷ هـ، ق مطابق ۱۹/ جدی/ ۱۴۰۴ هـ، ش

اعمالی که در زمین اصلاح می آفریند و باعث پیشرفت جامعه میگردد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله جل جلاله، وعز جاهه، وتقديست أسماؤه، وعظم عطاؤه، وعم نواله، له الحمد قدر الأقدار، وكتب الآجال، لا يخلف وعده، ولا يهزم جنده، ولا يعز أعداؤه، ولا يذل أولياؤه، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبد الله ورسوله، خاتم الأنبياء والمرسلين، سيد الأولين والآخرين، وصلى الله وسلم وبارك عليه وعلى آله وصحابه أجمعين إلى يوم الدين، أما بعد:

قال الله سبحانه وتعالى: (قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ). هود: (۸۸)

حضر محترم و گرانقدر!

السلام عليكم ورحمت الله وبركاته!

از جمله موضوعات مهم قرآن کریم، اصلاح مردم و پاک سازی جامعه اسلامی از هرگونه انحراف و فساد است.

یکی از اهداف قرآن کریم این است که در زندگی انسان ها بر روی زمین، اخلاق برتر و والا پیاده شود و زمین از هرگونه اعمال و رفتارهای ناپسند و زیان بار پاک گردد.

انسان موجودی مدنی الطبع است و نمی تواند جدا از دیگر انسان ها زندگی کند؛ بنابراین، امری طبیعی است که انسان در جامعه انسانی زندگی نماید. از همین رو، الله تعالی برای انسان ها به منظور زندگی مشترک، احکام ویژه ای نازل کرده است تا مردم بتوانند بر روی زمین زندگی آسوده و آرامی داشته باشند و به عبادت الله تعالی بپردازند.

خوبی و بدی هر دو حالت صالح و فاسد، مستقیماً متوجه افراد جامعه است؛ اگر زندگی اجتماعی بر روی زمین صالح باشد، زندگی افراد جامعه نیز صالح و نیکو خواهد بود، و اگر زندگی اجتماعی فاسد باشد، زندگی افراد جامعه نیز تلخ و فاسد خواهد شد و جامعه پیشرفت نخواهد کرد؛ زیرا زمین آکنده از بدبختی ها، مصیبت ها، جنگ ها و مرگ ها خواهد بود.

از ویژگی‌های نظام اجتماعی اسلام این است که در این نظام، فرد نیز مسئولیت اصلاح جامعه را بر عهده دارد و هر فرد به اندازه توان خود مسئول است که فساد را از جامعه اسلامی دور سازد.

برای آن که اصلاح به صورت عمومی در زمین تحقق یابد و جامعه به پیشرفت برسد، الله جل جلاله برخی کارها را بر مردم لازم گردانیده و آن‌ها را به ما آموزش داده و از ما خواسته است که این امور را در زندگی خود عملی کنیم تا اصلاح در زمین پدید آید.

قرآن کریم از آغاز، انسان‌ها را به اصلاح فراخوانده است؛ مانند اصلاح عقاید و اندیشه‌ها، اصلاح رفتار و کردار و دیگر انواع اصلاح.

اصلاح آن چنان عمل باارزشی است که در قرآن کریم همراه با ایمان ذکر شده است؛ چنان که الله تعالی می‌فرماید: (وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (الانعام: ۴۸)

ترجمه: و ما پیامبران را نمی‌فرستیم مگر مژده دهنده و بیم دهنده، لذا هر کس ایمان آورد و اعمال خود را اصلاح کرد پس هیچ ترسی بر آنها در روز آخرت نخواهد بود و نه غمگین میشوند.

همچنین اصلاح در اسلام چنان اهمیت دارد که در قرآن همراه با تقوا ذکر شده است. الله جل جلاله می‌فرماید: (يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (الاعراف: ۳۵)

ترجمه: ای فرزندان آدم! اگر برای شما پیامبران از جنس خود شما بیایند که آیات و احکام مرا بر شما بخوانند، پس هر کس از الله بترسد و اعمال خود را اصلاح کند پس بر آنها در روز قیامت هیچ ترسی نخواهد بود و نه آنها غمگین میشوند.

همچنین مأموریت پیامبران فرستاده شده از سوی الله تعالی، آوردن اصلاح در زمین بوده است و در هر زمان، پیامبران امت‌های خود را به اصلاح دعوت می‌کردند؛ چنان که الله تعالی می‌فرماید: (قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَكُمْ إِلَيَّ مَا أَنْهَاكُم عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ) (هود: ۸۸)

ترجمه: شعیب گفت: ای قوم من! به من خبر دهید اگر دلیل واضحی از نزد پروردگارم داشته باشم و از نزد خود رزق و روزی خوبی به من داده باشد آیا میتوانم بر خلاف دستورات او عمل کنم و نمی‌خواهم شمارا از چیزی نهی کنم و خودم مرتکب آن شوم، من قصدی جز اصلاح ندارم و توفیق من جز به تائید الله نیست.

اصلاح در زمین چنان عمل باارزشی است که الله تعالی فواید و آثار آن را نیز بیان کرده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- اصلاح، جامعه را از هلاکت حفظ می‌کند. الله تعالی می‌فرماید: (وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ) هود: (۱۱۷)

ترجمه: و پروردگار تو هرگز بر آن نبوده است که شهرها را به ظلم هلاک سازد، در حالی که اهل آن مصلح و نیکو کار باشند.

۲- اصلاح، سبب امنیت جوامع می‌شود. الله تعالی می‌فرماید: (فَمَنْ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) الاعراف: (۳۵)

ترجمه: پس هر کس از الله بترسد و اعمال خود را اصلاح کند پس بر آنها در روز قیامت هیچ ترسی نخواهد بود و نه آنها غمگین میشوند.

جامعه‌ای که افراد آن به کارهای اصلاحی می‌پردازند، خود را محاسبه می‌کنند و اجازه نمی‌دهند جامعه دچار فساد شود، در چنین جامعه‌ای همواره امنیت برقرار بوده و آرامش کامل حاکم خواهد بود.

۳- اصلاح، سبب رحمت و آمرزش الله تعالی می‌شود. الله تعالی می‌فرماید: (وَإِنْ تَصْلَحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً)

النساء: (۱۲۹) ترجمه: و اگر (با زنان تان) صلح و پرهیزگاری کنید به نفع شما است، بی گمان الله آمرزنده و مهربان است.

۴- هرکس اراده اصلاح داشته باشد، الله تعالی او را به اصلاح موفق می‌گرداند. الله تعالی می‌فرماید: (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ

بَيْنَهُمَا فَاذْبَعُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً خَبِيراً) النساء: (۳۵)

ترجمه: اگر شما اولیای امور از اختلاف میان زن و شوهر ترسید پس صلاح کار (داور) از خانواده شوهر و صلاح کاری (داور) از خانواده زن بفرستید اگر صلاح کاران اصلاح را بخواهند الله میان آن دو (زن و شوهر) موافقت و الفت پیدا میکند بی گمان الله دانا و با خبر است.

۵- اصلاح، سبب رستگاری و کامیابی است. الله تعالی می‌فرماید: (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) آل عمران: (۱۰۴)

ترجمه: و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و مردم را به کارهای نیک فرمان دهند و از کار زشت و خلاف شرع منع کنند بازدارند و این جماعت کامیاب اند.

کارهایی که موجب تحقق اصلاح در زمین می‌شوند و سبب پیشرفت می‌گردند، برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱- ایمان داشتن به الله تعالی و پرهیز از شرک:

ایمان داشتن به الله تعالی و اعتقاد به یگانگی او، موجب تحقق اصلاح در زمین و سبب پیشرفت جامعه می‌گردد.

ایمان ستون زندگی و سرچشمه همه نیک‌بختی‌ها و سعادت‌هاست و منبع هر خیر و فضیلت به شمار می‌آید؛ زیرا شخص مؤمن به تقدیر خیر و شر ایمان دارد و به قضای الهی راضی است، در هنگام هر مشکل و مصیبت صبر پیشه می‌کند و در هر دو حالت سختی و راحتی، شکرگزار الله تعالی می‌باشد.

ایمان به الله تعالی مرجع همه نیکی‌ها و منبع اصلی اصلاح جامعه است؛ زیرا ایمان نوری است که انسان را از هرگونه اعمال و رفتار ناروا حفظ می‌کند. ایمان انسان‌ها را به نیکی فرا می‌خواند و آنان را از شرک و دیگر صفات و اعمال زشت و ناپسند بازمی‌دارد. به سبب ایمان است که انسان نیک و بد، خیر و شر را تشخیص می‌دهد. ایمان، فرد و جامعه را به سوی راه اصلاح سوق می‌دهد و آنان را از هلاکت نجات می‌بخشد. هنگامی که ایمان در دل انسان جای گیرد، در حقیقت چراغ روشنی در قلب او افروخته می‌شود که به وسیله آن راه هدایت را برمی‌گزیند و از گمراهی دوری می‌کند. این ایمان است که انسان را به نیکی‌ها فرمان می‌دهد و از بدی‌ها بازمی‌دارد.

دعوت مردم به یگانگی الله تعالی، راه و هدف دعوت یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر بوده است.

الله جل جلاله می‌فرماید: (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ) النحل: (۳۶)

ترجمه: و به یقین ما در میان هر امتی پیامبری فرستادیم تا به مردم بگویند الله را بپرستید و از طاغوت اجتناب ورزید. امام طبری رحمه الله نوشته است: (ولقد بعثنا أيها الناس في كل أمة سلفت قبلكم رسولا كما بعثنا فيكم بأن اعبدوا الله وحده لا شريك له، وأفردوا له الطاعة، وأخلصوا له العبادة) تفسیر الطبری، تحقیق شاکر (۲۰۱/۱۷)

ترجمه: به راستی ما ای مردم، در هر امتی که پیش از شما گذشته اند، پیامبری فرستادیم؛ همان گونه که در میان شما نیز پیامبر فرستادیم، با این فرمان که تنها الله را عبادت کنید که هیچ شریکی ندارد، اطاعت را مخصوص او گردانید و عبادت را خالصانه برای او انجام دهید.

الله تعالی ما را مأمور ساخته است که از این پیامبران پیروی کنیم و راه آنان را در پیش گیریم و مردم را به یگانگی الله تعالی دعوت نماییم؛ زیرا مقتضای ایمان به الله تعالی آن است که در جامعه اصلاح به وجود آوریم تا جامعه به پیشرفت برسد.

الله تعالی می فرماید: (أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ) الانعام: (۹۰)

ترجمه: آنان کسانی اند که الله آنها را به راه حق هدایت کرد، پس تو ای محمد به هدایت نها اقتداء کن و بگو من هیچ مزدی از شما برآن برآن نمی طلبم. این کتاب جز اندرزی برای مردم جهان نیست.

۲- امر به نیکی و نهی از منکر:

امر به نیکی و نهی از منکر از مهم ترین موضوعات در اسلام است.

امر به نیکی و نهی از منکر، مسئولیتی مشترک میان فرد و نظام اسلامی است. الله تعالی می فرماید: (الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) الحج: (۴۱)

ترجمه: آن کسانی را که اگر در زمین آنها را قدرت و حکم رانی ببخشیم، نماز را برپا می دارند و زکات اموال را میدهند و به کار نیک فرمان میدهند و از کار زشت منع میکنند و سرانجام کارها به الله باز میگردد.

فضیلت و برتری امت محمدی به سبب همین ویژگی است که به نیکی امر می کند و از منکر جلوگیری می نماید.

الله تعالی می فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) آل عمران: (۱۱۰)

ترجمه: شما بهترین امت هستید که برای نفع مردم آفریده شده اید؛ مردم را به کارهای نیک امر میکنید و از کارهای بد و ناجائز منع میکنید.

ترک نهی از منکر سبب لعنت الله تعالی می شود؛ چنان که الله تعالی می فرماید: (لَعْنَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ . كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) المائدة: (۷۸-۷۹)

ترجمه: این لعنت به سبب آن بود که نافرمانی میکردند و از حد میگذشتند چون آنان یکدیگر از کارهای بدی که میکردند منع نمی کردند؛ البته چه بد است آنچه میکردند.

کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند، بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند؛ این به سبب آن بود که نافرمانی کردند و از حد گذشتند. آنان یکدیگر را از منکری که مرتکب می شدند باز نمی داشتند؛ چه بد بود کاری که انجام می دادند.

در یک حدیث شریف اینطور آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « إِنْ أَوَّلَ مَا دَخَلَ النَّفْسُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ الرَّجُلُ يَلْقَى الرَّجُلَ فَيَقُولُ يَا هَذَا اتَّقِ اللَّهَ وَدَعْ مَا تَصْنَعُ فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَكَ ثُمَّ يَلْقَاهُ مِنَ الْغَدِ فَلَا يَمْنَعُهُ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ أَكِيلَهُ وَشَرِيبَهُ وَقَعِيدَهُ فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَ اللَّهُ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ بِبَعْضٍ ». ثُمَّ قَالَ (لِغِنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ) إِلَى قَوْلِهِ (فَاسْقُون) ثُمَّ قَالَ « كَلَّا وَاللَّهِ لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَتَأْخُذَنَّ عَلَى يَدَيِ الظَّالِمِ وَلَتَأْطُرَنَّهُ عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا وَلَتَقْصُرُنَّهُ عَلَى الْحَقِّ قَصْرًا ». وفى رواية « أَوْ لَيَضْرِبَنَّ اللَّهُ بِقُلُوبِ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ لَيَلْعَنَنَّكُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ ». سنن أبى داود-ن (٢١٣/٤)

ترجمه: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: نخستین چیزی که موجب نقصان در بنی اسرائیل شد این بود که شخصی دیگری را در حال گناه می دید و به او می گفت: از الله بترس و این کار را ترک کن که برای تو حلال نیست؛ اما روز بعد، با وجود دیدن همان گناه، او را باز نمی داشت، زیرا با او هم سفره و هم نشین می شد. هنگامی که آنان نهی از منکر را ترک کردند، الله تعالی دل هایشان را شبیه یکدیگر ساخت (در گناه). سپس پیامبر صلى الله عليه وسلم این آیه را تلاوت فرمود و بعد فرمود: آگاه باشید! حتماً باید به نیکی فرمان دهید و از منکر بازدارید، دست ستمگر را بگیرید و او را به حق بازگردانید و وادار به حق کنید.

و در روایت دیگری آمده است: اگر چنین نکنید، الله دل های شما را مانند یکدیگر گنهکار می سازد و به شما لعنت میکند همان گونه که بنی اسرائیل را لعنت کرد.

امر به نیکی و نهی از بدی سبب اصلاح جامعه و حفظ آن از هلاکت می شود.

اگر منکرات در جامعه آشکار گردد و مردم به صورت علنی به آن ها آلوده شوند و عذاب الهی نازل شود، این عذاب هم خواص و هم عوام را دربر می گیرد.

عن عَدِيِّ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ حَتَّى يَرَوْا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يُنْكِرُوهُ فَلَا يُنْكِرُوهُ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ). مسند أحمد (٢٥٨/٢٩)

ترجمه: عدی رضی الله عنه می گوید: از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیدم که فرمود: الله تعالی مردم عادی را به سبب اعمال بد خواص عذاب نمی کند، تا زمانی که منکر را در میان خود آشکار ببینند و توانایی جلوگیری از آن را داشته باشند ولی جلوگیری نکنند؛ پس هنگامی که چنین کنند، الله هم خواص و هم عوام را عذاب می کند.

جامعه ای که در آن مردم از منکرات جلوگیری نکنند، فاسد می شود و هنگامی که جامعه فاسد شد، زیان های فساد هم به نیکان و هم به بدان می رسد.

چنان که در حدیثی آمده است: مَثَلُ الْمُدَاهِنِ فِي حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا مَثَلُ قَوْمٍ اسْتَهْمُوا سَفِينَةً فَصَارَ بَعْضُهُمْ فِي أَسْفَلِهَا وَصَارَ بَعْضُهُمْ فِي أَعْلَاهَا فَكَانَ الَّذِي فِي أَسْفَلِهَا يَمْرُونَ بِالْمَاءِ عَلَى الَّذِينَ (الَّذِي) فِي أَعْلَاهَا فَتَأَدُّوا بِهِ فَأَخَذَ فَأَسَا فَجَعَلَ يَنْقُرُ أَسْفَلَ السَّفِينَةِ فَاتَوَّهُ فَقَالُوا مَا لَكَ قَالَ تَأْدِيْتُمْ بِي وَلَا بُدَّ لِي مِنَ الْمَاءِ فَإِنْ أَخَذُوا عَلَى يَدَيْهِ (يَدِهِ) أَنْجَوْهُ وَتَجَوَّأُوا أَنْفُسَهُمْ وَإِنْ تَرَكُوهُ أَهْلَكُوهُ وَأَهْلَكُوا أَنْفُسَهُمْ). صحيح البخاري-نسخة طوق النجاة (ص: ٤٠٣)

ترجمه: مثال کسی که در حدود الله سازش کاری می‌کند و کسی که آن حدود را می‌شکند، مانند گروهی است که سوار کشتی شدند؛ برخی در پایین کشتی و برخی در بالای آن قرار گرفتند. کسانی که در پایین بودند برای گرفتن آب از بالایی‌ها عبور می‌کردند و آنان را آزار می‌دادند. یکی از پایین‌نشینان تیشه‌ای برداشت و شروع به سوراخ کردن کشتی کرد. وقتی به او گفتند چرا چنین می‌کنی؟ گفت: شما از رفت‌وآمد من اذیت می‌شوید و من به آب نیاز دارم. اگر دست او را بگیرند، هم او را نجات داده‌اند و هم خودشان را، و اگر رهایش کنند، هم او هلاک می‌شود و هم خودشان.

بر این اساس، ما مسلمانان نباید در برابر منکرات بی‌تفاوت بمانیم؛ حتی اگر در آن زمان توان از بین بردن منکر را نداشته باشیم؛ بلکه باید به هر وسیله و شیوه ممکن برای ازاله منکر تلاش کنیم. همان‌گونه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در آغاز اسلام، مردم را از شرک - که بزرگ‌ترین منکر است - بازمی‌داشت و آنان را به عقیده توحید دعوت می‌کرد؛ اما هنگامی که دین اسلام قدرت یافت، به مبارزه عملی با منکرات فرمان داد و منکرات را از میان می‌برد.

در مورد جلوگیری از منکرات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: (من رأی منکم منکراً فلیغیره بیده، فان لم یستطع فبلسانه، فان لم یستطع فبقلبه وذلك اضعف الایمان) رواه مسلم.

ترجمه: هر کس از شما منکری را ببیند، باید آن را با دست خود از بین ببرد؛ و اگر توان آن را نداشت، با زبانش (نهی کند)؛ و اگر توان آن را هم نداشت، در دل از آن بی‌زاری بجوید، و این پایین‌ترین درجه ایمان است.

ترک جلوگیری از منکرات یا کوتاهی در این زمینه، سبب لعنت و خشم الله تعالی می‌گردد؛ همان‌گونه که الله تعالی در قرآن کریم، قومی را نکوهش کرده است که از منکرات جلوگیری نمی‌کردند.

الله تعالی می‌فرماید: (كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ) المائدة: (۷۹)

ترجمه: سبب لعنت آنان این بود که یکدیگر را از منکراتی که مرتکب می‌شدند باز نمی‌داشتند؛ و چه بد بود کاری که انجام می‌دادند.

ترک امر به معروف و نهی از منکر، سبب نزول عذاب الهی می‌شود، به‌گونه‌ای که پس از آن دعا‌های مسلمانان پذیرفته نمی‌شود. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده‌اند: (وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْ عِنْدِهِ ثُمَّ لَتَدْعُنَّهُ فَلَا يُسْتَجِيبُ لَكُمْ). مسند احمد (۳۳۲/۳۸)

ترجمه: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، یا شما امر به معروف می‌کنید و از منکر بازمی‌دارید، یا نزدیک است که الله تعالی عذابی از جانب خود بر شما نازل کند، سپس دعا می‌کنید ولی دعای شما پذیرفته نمی‌شود.

فقه‌های کرام درباره جلوگیری از منکرات فرموده‌اند: (ترک‌کننده امر به معروف و نهی از منکر مانند ترک‌کننده نماز است، و امر به نیکی همانند اقامه نماز می‌باشد؛ همان‌گونه که ترک نماز جایز نیست، ترک امر به معروف و نهی از منکر نیز جایز نیست). نصاب فی الاحتساب، ص ۲۰۸، علامه سنّامی حنفی

در جامعه‌ای که مردم به نیکی‌ها دعوت می‌شوند و از منکرات جلوگیری می‌شوند، گناهان از بین می‌رود یا کاهش می‌یابد و به جای آن اعمال نیک رواج پیدا می‌کند؛ و در چنین جامعه‌ای، محبت، الفت و دوستی میان مسلمانان افزایش می‌یابد و مردم احساس آرامش و خوشی می‌کنند و از شر و فساد دیگران هراسی ندارند و در امنیت زندگی می‌کنند.

همان گونه که الله تعالى می فرماید: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ). التوبة: (۷۱)

ترجمه: مردان و زنان مؤمن، دوستان یکدیگرند که به نیکی امر می کنند و از بدی باز می دارند.

برعکس، جامعه ای که در آن از منکرات جلوگیری نمی شود و مردم به نیکی ها دعوت داده نمی شوند، عذاب الله تعالى بر آن نازل می شود. چنان که الله تعالى می فرماید: (فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ). الأعراف: (۱۶۵)

ترجمه: پس چون پندی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، آنانی را که از بدی منع می کردند نجات دادیم و ظالمان را به سبب نافرمانی شان به عذاب سخت گرفتار کردیم.

هر جامعه ای که می خواهد از عذاب الله تعالى نجات یابد، باید مردم آن جامعه به نیکی ها امر کنند و از بدی ها بازدارند.

۳- انجام اعمال صالح و نیک:

انجام اعمال نیک، از بزرگ ترین عوامل اصلاح جامعه است. جامعه ای که مردم آن اعمال صالح انجام می دهند، جامعه ای سعادت مند است؛ در آن جرایم کم می شود و مردم زندگی آرامی خواهند داشت. زیرا سعادت و نیک بختی آرزوی همه انسان هاست. سعادت هدفی است که همه انسان ها برای به دست آوردن آن تلاش می کنند، و آرزوی همه مسلمانان این است که بندگی الله تعالى را به جا آورند و در کارهایی که موجب رضای الله می شود از یکدیگر پیشی گیرند. هر کس عمل صالح انجام دهد، الله تعالى به او زندگی پاکیزه عطا می کند. الله تعالى می فرماید: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...). النحل: (۹۷)

ترجمه: هر کس، چه مرد و چه زن، کار نیک انجام دهد و او مؤمن باشد البته به زندگی پاک و خوشایند زنده اش می کنیم و البته نظر به نیکوترین آنچه عمل می کردند ثوابشان خواهیم داد.

حافظ ابن کثیر رحمه الله می گوید: این وعده الله تعالى است برای کسی که عمل صالح انجام دهد - عملی که مطابق کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد - خواه مرد باشد یا زن؛ که الله تعالى به او زندگی پاکیزه عطا می کند و در آخرت نیز پاداش نیک می دهد.

عبدالله بن عباس رضی الله عنه می گوید: مقصود از «حياة طيبة» سعادت و نیک بختی است. (تفسیر ابن کثیر)

همان گونه که الله تعالى در آیه دیگری می فرماید: (فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى * وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا). طه: (۱۲۳-۱۲۴)

ترجمه: پس اگر برای شما از جانب من هدایت رسید هر کس از هدایت پیروی کند نه گمراه می شود و نه رنج میکشد و هر کس از یاد من روی بگرداند تنگ و سخت خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا حشر خواهیم کرد.

اطاعت از حاکم مسلمان و ولی الامر از عوامل بزرگ اصلاح جامعه است؛ زیرا هنگامی که مردم زیر سایه یک امیر عادل زندگی می‌کنند، نظم و قانون برقرار می‌شود و کسی نمی‌تواند به دیگری ظلم کند، مال او را بخورد یا به عزت او تجاوز نماید. همچنین جامعه‌ای که بر بیعت با امیر مسلمان گرد آمده باشد، از جنگ‌ها، شورش‌ها و فتنه‌ها در امان خواهد بود.

به همین دلیل الله تعالی به اطاعت از ولی الامر فرمان داده و فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ). النساء: (۵۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورد اید از الله و پیامبر و از صاحبان امر تان اطاعت کنید.

و در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةِ لِقَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ». صحیح مسلم (۶/۲۲)

ترجمه: هر کس دست از اطاعت (امام و ولی الامر) بردارد، در روز قیامت در حالی با الله روبه‌رو می‌شود که هیچ حجتی ندارد؛ و هر کس بمیرد در حالی که بیعت امام بر گردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

در اطاعت از امیر، امنیت در جامعه حاکم می‌شود، جامعه از فتنه و تفرقه در امان می‌ماند و صف مسلمانان در برابر دشمنان قوی می‌گردد. همچنین امور حکومتی به‌درستی پیش می‌رود و وحدت و همبستگی در جامعه حفظ می‌شود.

۵- اجرای حدود و قصاص الهی در زمین:

اجرای حدود الهی در زمین خداوند، یکی از بزرگ‌ترین اسباب اصلاح در جامعه است.

خیر و سعادت دنیا و آخرت در پذیرفتن احکام الهی و پرهیز از نواهی خداوند متعال نهفته است.

الله تعالی درباره اهل کتاب می‌فرماید: (وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ) المائدة: (۶۶)

ترجمه: و اگر آنها تورات و انجیل و آنچه از طرف پروردگارشان قرآن بر آنها نازل شده برپا (نافذ) میکردند، البته از بالای سرشان و از زیر پاهایشان نعمتهای آسمان و زمین را می‌خوردند گروهی از آنان میانه رو هستند و بسیاری از آنها آنچه میکنند بد است.

همین حکم درباره مسلمانان نیز صادق است؛ اگر مسلمانان احکام الهی را در زندگی خود عملی سازند و حدود الهی را در زمین خداوند اجرا و نافذ کنند، خداوند متعال نعمت‌های گسترده‌ای به آنان عطا خواهد کرد و صاحب زندگی نیک خواهند شد، فسادها در زمین کاهش می‌یابد و در جامعه انسانی اصلاح کامل به‌وجود خواهد آمد.

چنان که خداوند متعال درباره قصاص می‌فرماید: (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) البقرة: (۱۷۹)

ترجمه: و برای شما در اجرای قصاص زندگانی است ای خردمندان تا پرهیز گار شوید.

همچنین رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره اجرای حدود فرموده‌اند: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّثَ يَوْمَ فِي الْأَرْضِ خَيْرٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ أَنْ يُمْطَرُوا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا) و در روایت نسائی آمده است: (ثلاثين صباحاً) سنن ابن ماجه (۲/۸۴۸)، سنن النسائي الكبرى (۴/۳۳۵)

ترجمه: از ابو هريره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: اجرای یک حد الهی در زمین، برای مردم زمین بهتر از باریدن باران به مدت چهل روز است. و در روایت نسائی، سی روز آمده است.

این چه نعمت بزرگی از جانب خداوند متعال خواهد بود که چهل روز باران بر مردم زمین ببارد؛ در حالی که انسان‌ها، حیوانات و گیاهان به آن نیاز دارند، زمین‌ها سیراب شود، کشتزارها سبز گردد، زمین در هر سو سرسبز و حاصل‌خیز شود، حیوانات سیر گردند، هوا پاک و صاف شود، آب چشمه‌ها و رودها افزایش یابد، دل‌های مردم با سرسبزی زمین شاد گردد، نیازهای انسان‌ها برآورده شود و نعمت‌های الهی فزونی یابد و رفاه و آسایش پدید آید؛ و این باران نعمت چهل روز ادامه داشته باشد.

از آن‌جا که برپا داشتن حدود الهی برای اصلاح جامعه انسانی بسیار سودمند است، پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانی بسیار خشمگین شدند که در مورد زنی به نام فاطمه که مرتکب سرقت شده بود، خواستند حد اجرا شود و صحابه حضرت اسامه بن زید رضی الله عنه را به عنوان شفاعت نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم فرستادند تا حد سرقت بر آن زن اجرا نشود. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (وَإِيْمُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا) صحیح البخاری (۵۸۶/۸)

ترجمه: قسم به خدا، اگر فاطمه دختر محمد صلی الله علیه وسلم هم دزدی می‌کرد، دستش را قطع می‌کردم.

۶- ایجاد اصلاح در میان مردم:

دین مبارک اسلام، دین صلح، اصلاح، امنیت و مهربانی است و می‌خواهد که صلح و اصلاح در جامعه برقرار گردد. به همین سبب، اسلام تمام کارها، صفات و فعالیت‌هایی را که سبب فساد فرد و جامعه می‌شوند، ممنوع اعلام کرده است؛ مانند جنگ و درگیری، قتل ناحق، تجاوز به جان، مال، آبرو و دین مردم و ظلم به انسان‌ها.

کفر در جامعه اسلامی جنگ، اختلاف، اندوه، کینه و نفرت ایجاد می‌کند و امنیت، برادری، اصلاح و خوشبختی را از جامعه می‌گیرد و هرج و مرج پدید می‌آورد.

برعکس، اسلام با ایجاد اصلاح و آشتی میان مردم و برقراری صلح میان مسلمانان، محبت و دوستی را افزایش می‌دهد و سبب آرامش و رفاه جامعه می‌گردد.

اسلام با برقراری صلح و اصلاح میان مردم، اخوت اسلامی را تضمین می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ} الحجرات: (۱۰)

ترجمه: بی‌گمان مؤمنان برادر یکدیگرند، پس میان برادرانتان صلح برقرار کنید و از خدا پروا داشته باشید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند که اصلاح میان مردم، عبادتی برتر از روزه، نماز و صدقه است و فساد و درگیری، وحدت مسلمانان را از بین می‌برد. در حدیث شریف آمده است: عن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: صِلَاةُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ) ابوداود و ترمذی، سنن ابی داود (۴/۴۳۲)

ترجمه: از ابو درداء رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا شما را به عملی که از نظر درجه برتر از روزه، نماز و صدقه است، خبر ندهم؟ گفتند: بلی. فرمود: اصلاح میان مردم؛ زیرا فساد میان مردم، دین را می‌تراشد و از بین می‌برد.

در حدیث دیگری آمده است که آشتی دادن میان مردم، صدقه‌ای برای اعضای بدن است: عن أبي هريرة رضي الله عنه ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : (كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ كُلُّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ ، يَغْدِلُ بَيْنَ الْاِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ ، وَيَعِينُ الرَّجُلَ عَلَى دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُ عَلَيْهَا أَوْ يَرْفَعُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيْبَةُ صَدَقَةٌ ، وَكُلُّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ ، وَيَمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ) متفق عليه

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر مفصل از مفاصل بدن انسان، هر روزی که خورشید طلوع می‌کند، صدقه‌ای بر عهده دارد؛ عدالت برقرار کردن میان دو نفر صدقه است؛ کمک کردن به شخصی برای سوار شدن بر مرکب یا پایین آوردن بارش صدقه است؛ سخن نیک صدقه است؛ هر گامی که به سوی نماز برداشته می‌شود صدقه است؛ و دور کردن چیز آزاردهنده از راه، صدقه است.

نزاع و اختلاف، وحدت و یکپارچگی را از بین می‌برد، خانواده‌ها را ویران می‌کند، دشمنی‌ها را افزایش می‌دهد، سبب قتل و درگیری می‌شود، اقوام را نابود می‌سازد، خونریزی به بار می‌آورد، امنیت جامعه را برهم می‌زند و هیبت مسلمانان را تضعیف می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: (وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) الأنفال: (۴۶) ترجمه: و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از بین می‌رود.

شیطان در دل‌های مسلمانان کینه، بغض و حسد می‌کارد و نزاع را میان آنان افزایش می‌دهد. در صحیح مسلم آمده است: (إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ أُيسَ أَنْ يَعْبُدَهُ الْمُصَلُّونَ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَلَكِنْ فِي التَّحْرِيشِ بَيْنَهُمْ) صحیح مسلم

ترجمه: بی‌گمان شیطان از این ناامید شده است که نمازگزاران در جزیره عرب او را عبادت کنند، ولی تلاش می‌کند میان آنان دشمنی و اختلاف بیندازد.

شیطان تا آخرین مرحله صلح می‌کوشد تا مسلمانان با هم آشتی نکنند و در دل‌هایشان می‌اندازد که صلح نشانه ضعف و شکست است؛ در حالی که آیه مبارک خداوند را فراموش می‌کند که می‌فرماید: (فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ) الشوری: (۴۰)

ترجمه: پس هر کس گذشت کند و اصلاح نماید، پاداش او بر عهده خداوند است.

قطع رابطه با مسلمان، گناه کبیره است. در حدیث آمده است: عَنْ أَبِي خِرَاشٍ السُّلَمِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: (مَنْ هَجَرَ أَخَاهُ سَنَةً فَهُوَ كَسَفَكَ دَمَهُ) سنن ابی داود (۴/ ۴۳۱)

ترجمه: از ابو خراش سلمی رضی الله عنه روایت است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنید که فرمود: هر کس برادرش را یک سال ترک کند، مانند آن است که خون او را ریخته باشد.

ابو ادريس خولانی رحمه الله می‌فرماید: از ابو درداء رضی الله عنه شنیدم که سوگند یاد کرد و گفت: به خدا قسم، در میان اعمال بنده، عملی برتر از اصلاح میان مردم وجود ندارد.

امام اوزاعی رحمه الله گفته است: هیچ گامی برتر از گامی که برای ایجاد صلح میان مردم برداشته می‌شود، وجود ندارد. (تفسیر قرطبی)

برخی از صحابه می‌گفتند: هر کس فضیلت عابدان را می‌خواهد، باید میان مردم صلح برقرار کند. (تفسیر روح البیان)

وظیفه علمای کرام است که مردم را به آشتی و صلح دعوت کنند و آنان را از بدبینی، فساد، کینه و اختلاف بازدارند.

امروز که در افغانستان نظام اسلامی حاکم است، علما باید مردم را به زندگی آرام در سایه این نظام دعوت کنند و آنان را از همراهی با مفسدان برحذر دارند.

فواید صلح و سازش:

رضایت الله و بندگانش

سنت پیامبران

جلوگیری از فساد خانوادگی و اجتماعی

جایگزینی محبت به جای کینه

تقویت روح عفو و گذشت

افزایش حسنات

ایجاد تغییر مثبت در زندگی

آرامش قلب‌ها

جلوگیری از گسترش فساد

حفظ هیئت مسلمانان

اقول قولي هذا، استغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.